

# راهکارهای رفع موانع کارآفرینی زنان در تهران

دکتر منوچهر انصاری<sup>۱</sup> - مژگان نبی پور حقیقی<sup>۲</sup>

## چکیده

هدف تحقیق در این مقاله بررسی موانع موجود در راهاندازی و یا توسعه کسب و کار زنان کارآفرین شهر تهران در طی ۵ سال گذشته است. با توجه به تعداد محدود زنان کارآفرین در شهر تهران، از نظرات ۶۰ تن از آنان که مورد تأیید وزارت کار و مراکز و انجمن‌های زنان کارآفرین بودند، استفاده گردید. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد زنان در راهاندازی و یا توسعه کسب و کار خود، بیش از موانع فردی با موانع سازمانی-محیطی مواجه بوده که مهمترین مانع فردی، عدم پذیرش زنان توسط جامعه بعنوان فردی کارآفرین می‌باشد و از بین عوامل سازمانی-محیطی، تمامی عوامل شامل عدم سهولت دسترسی زنان به خدمات آموزشی، منابع مالی، مکان مناسب و خدمات توسعه کسب و کار و همچنین عدم تناسب سیاستهای راهبردی دولت، قوانین و آئین‌نامه‌ها با نیازهای زنان و کارایی پایین انجمن‌های مربوطه و تشویق نکردن زنان به کارآفرینی، بعنوان مهمترین چالشهای پیش‌روی زنان کارآفرین مطرح گردیده است. نتایج از آزمون فرضیه‌ها نیز بیانگر آن است که بین تحصیلات و موانع فردی رابطه معکوس و بین نوع کسب و کار و موانع سازمانی-محیطی، مکان کسب و کار و موانع فردی، نحوه انجام کار و موانع فردی رابطه معنی‌داری وجود داشته و بین داشتن تجربه شکست در کسب و کار با تحصیلات، مکان آغاز و نوع کسب و کار و نحوه انجام کار رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج حاصله توجه بیشتر دولت و نهادهای غیردولتی به رفع موانع و ایجاد بستری مناسب را در راستای توسعه کارآفرینی به خصوص کارآفرینی زنان بیان می‌دارد.

**واژه‌های کلیدی:** کارآفرینی زنان، توسعه کارآفرینی، موانع فردی، موانع سازمانی-محیطی، راهکارها

در دوره‌های مختلف و مناطق گوناگون، کیفیت کارآفرینی عامل اصلی ایجاد تفاوت در رشد اقتصادی و اختلاف کشورهای توسعه یافته با کشورهای در حال توسعه است (Schumpeter, 1975). کارآفرینی با نوآوری و ایجاد نقشهای جدید، باعث گوناگونی اقتصاد می‌گردد. کارآفرینی زنان به معنای شروع و یا توسعه کسب و کار توسط زنان، یکی از مهمترین مسائل دولتهای جهان می‌باشد که در سالهای اخیر به آن توجه بسیاری شده است به گونه‌ای که سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ را می‌توان دهه زنان نام‌گذاری کرد. در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل با ایجاد انجمنی بین المللی جهت حذف انواع تبعیضها علیه زنان (CEDAW) موافقت کرد. با این تصمیم، توجه دولتها به نقش زنان در توسعه اقتصادی جلب شده و کاهش تبعیضها علیه زنان جزو برنامه‌های استراتژیک آنان قرار گرفت. (Yudelman, 1987) طبق گزارشی که بانک جهانی از موقعیت کارآفرینی در منطقه خاورمیانه منتشر کرده، کارآفرینی در این منطقه با مشکلات عدیده‌ای از جمله موانع موجود در ارتباطات، تامین انرژی، سیستم حمل و نقل، دسترسی به زمین و مکان مناسب کسب و کار، نرخهای مالیاتی، سیستم دریافت مالیات، وجود فساد اداری و دریافت رشوه، جرایم موجود، فعالیتهای مخرب محیط رقابتی، سیستم قانونی، هزینه بالای سرمایه‌گذاری، قوانین تجاری، عدم دسترسی به منابع مالی، مهارت پائین نیروی کار، ناپایداریهای محیطی، عدم قطعیت سیاستها و قوانین کار نامناسب، مواجه است. این تحقیق نشان می‌دهد مشکلات و موانع کارآفرینی موجود در منطقه خاورمیانه برای زنان و مردان کارآفرین تقریباً مشابه بوده و نمی‌توان تفکیک مشخصی بین آنها قرار داد زیرا کارآفرینی در این منطقه به پتانسیل واقعی خود نرسیده و نسبت به سایر مناطق از رشد و توسعه کمتری برخوردار بوده و کمترین تعداد زنان کارآفرین را دارا است. در این گزارش بیان شده داده‌های آماری دقیقی از وضعیت کارآفرینی، تعداد و خصوصیات کارآفرینان به خصوص زنان کارآفرین و ویژگیهای کسب و کار آنان در ایران وجود ندارد. همچنین در قوانین و آئین‌نامه‌های ایران امکانات خاصی در مالکیت و مدیریت کسب و کارها، دریافت وام و دسترسی به اعتبارات و تسهیلات بانکی، پرداخت مالیات و اعطای مجوزهای تجاری، برای زنان کارآفرین در نظر گرفته نشده و تنها وجه تمایز بین زنان و مردان در قوانین کار، وجود کدهای کارگری خاص است که نشان می‌دهد در این کدها زنان به علت سختی کار نمی‌توانند فعالیت کنند.

با توجه به گزارش فوق چنین استنباط می‌گردد در ایران لازم است ابتدا راههای توسعه کارآفرینی بصورت کلی و بدون قرار دادن تمایز بین زنان و مردان کارآفرین ارزیابی شده و پس از توسعه نسبی کارآفرینی در ایران و افزایش تعداد کارآفرینان زن، مقوله موانع کارآفرینی زنان مورد بررسی قرار گیرد. ولی با توجه به جایگاه زنان در ترکیب جمعیت، نظام آموزشی و عرصه اشتغال و در نظر گرفتن این نکته که در حال حاضر تعداد زنان تحصیلکرده دانشگاهی افزایش یافته و در بعضی موارد



حتی بیش از مردان است و با ملاحظه به قابلیت‌ها و توانایی‌های زنان و نقش آنان در اقتصاد جامعه، همچنین رویکرد جدید دولت به تخصیص بودجه جهت توسعه کارآفرینی، می‌توان از کارآفرینی زنان در راستای رشد و توسعه اقتصادی ایران بهره برد (امیرنژاد، ۱۳۸۷). از این‌رو در این تحقیق تلاش گردیده است تا با شناسایی و طبقه‌بندی موانع پیش‌روی زنان کارآفرین و ارائه برخی راهکارهای عملی کشورهای پیشرفته که متناسب با موانع شناخته شده و شرایط موجود می‌باشند، گامی در راستای توسعه کارآفرینی زنان در ایران برداشت.

### بررسی پیشینه تحقیق

آمریکا اولین کشوری است که حق مالکیت مشاغل را به زنان اعطا کرد. ریاست جمهوری در سال ۱۹۷۸ کارگروهی را جهت تحقیق پیرامون زنان صاحب مشاغل تشکیل داد که گزارش جامع آن در سال ۱۹۷۹ منتشر شد.

طی این گزارش دولت موظف گردید در وزارت کار دفتري را به منظور حمایت از مالکیت تجاری زنان و تشویق و توسعه کارآفرینی، تاسیس نماید. در سال ۱۹۸۸ هیأت کسب و کار زنان در کنگره آمریکا برپا گردید تا بدین وسیله زنان نقش مؤثرتری در تصمیم‌گیری‌ها و اتخاذ سیاست‌های دولت داشته باشند. و در نهایت در ۱۹۹۷ کمیته داخلی مشاغل، جهت تسریع بخشیدن به رشد و توسعه کسب و کارهای زنان، در بطن دولت تشکیل گردید. دولت کانادا نیز از اوایل دهه ۸۰ فعالیتهایی را جهت تشویق کارآفرینی زنان شروع کرد. در سیاست‌های ملی کارآفرینانه دولت فدرال در ۱۹۸۹، زنان به‌عنوان گروه هدف در برنامه‌های حمایتی قرار گرفته تا بدین ترتیب دولت به هدف خود که همانا افزایش تعداد زنان صاحب مشاغل است، دست یابد و از آن زمان اقدامات بسیاری در راستای شناسایی مشکلات و چالش‌های زنان در دسترسی به منابع لازم جهت آغاز و یا توسعه کسب و کار، صورت پذیرفت. Stevenson & Lundstrom, 2002 (St-Onge, 1999). سرانجام نخست وزیر کانادا، ایجاد کارگروه زنان کارآفرین را ضروری دانست تا بدین نحو مشکلات پیش‌روی زنان کارآفرین شناسایی شده و راهکارهای مناسب جهت رفع موانع و افزایش نقش آنان در توسعه اقتصادی، ارائه گردد. کشورهای دیگر نیز اقداماتی را جهت شناسایی موانع توسعه کارآفرینی زنان و راههای برآوردن نیازهای زنان کارآفرین آغاز کرده‌اند، این اقدامات عبارتند از:

- سازماندهی اولین کنفرانس بین‌المللی باخط‌مشی توجه‌به‌زنان کارآفرین در سال ۱۹۹۷ توسط OECD و تشکیل کنفرانس آن در دسامبر ۲۰۰۰
- بررسی وضعیت زنان کارآفرین کشورهای عضو APEC در سال ۱۹۹۹ و تهیه گزارش مروری آن با شرکت ۹ کشور اقتصادی (APEC, 1999)
- انتشار گزارشی درباره زنان کارآفرین آفریقا و آسیا توسط UNCTAD در سالهای ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ (UNCTAD, 1999:2000)

- تحقیق در ارتباط با برنامه‌های حمایتی زنان کارآفرین توسط اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۰ (Centre for Enterprise and Economic Development Research, 2000)
- برپایی اولین کنفرانس کارآفرینی زنان در مارچ ۲۰۰۳ توسط اتحادیه اروپا
- تهیه گزارش مروری از اطلاعات جاری پیرامون کارآفرینی زنان در کشورهای آمریکای لاتین توسط بانک توسعه آمریکای مرکزی در سال ۲۰۰۱ (Weeks and Seiler, 2001)
- سازماندهی کار گروه زنان کارآفرین آفریقا (AWE)
- توسط بانک توسعه آفریقا (AfDB)
- در جون ۲۰۰۳ و انتشار گزارشی از وضعیت زنان کارآفرین در می ۲۰۰۴ (AfDB, 2004)
- بررسی و تحقیق بانک جهانی از وضعیت کارآفرینی زنان در شمال آفریقا و خاورمیانه

نرخ رشد جمعیت زنان صاحب مشاغل در کشورهای توسعه یافته در حال افزایش است. Reynolds و همکارانش در سال ۲۰۰۲ گزارش دادند که در کشورهای OECD، زنان خود اشتغال یک چهارم تا یک سوم کل جمعیت افراد خود اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند که این میزان از ۱۳ درصد در ترکیه تا ۴۰ درصد در پرتغال متغیر است. در آمریکای لاتین نیز زنان در مقایسه با مردان، دارای یک چهارم تا یک سوم مشاغل رسمی می‌باشند که این میزان در بیست سال گذشته در حال افزایش بوده است (Weeks & Seiler, 2001). وضعیت کارآفرینی در اقتصادهای توسعه یافته از بسیاری جهات با کشورهای در حال توسعه متفاوت است. طبق گزارش Reynolds و همکارانش در سال ۲۰۰۲، در کشورهای در حال توسعه مانند جنوب آفریقا، مکزیک، چین و تایلند، میزان مشارکت زنان در کارآفرینی تقریباً مشابه مردان است. Reynolds طی تحقیقی به این نکته اشاره می‌کند که یکی از مهمترین راههای توسعه ساختاری کشورهای در حال توسعه، حمایت خاص دولت از زنان کارآفرین می‌باشد.

### چارچوب نظری پژوهش

برآورد دقیقی از وضعیت کارآفرینی زنان در ایران و ارزیابی از موانع و مشکلات زنان کارآفرین در دسترس نمی‌باشد. تنها تحقیق جامع موجود در سال ۱۳۸۱ صورت پذیرفته است (راههای توسعه کارآفرینی زنان در ایران، فیروزه صابر). در این تحقیق کیفی موانع کارآفرینی زنان در سه دسته موانع فردی، سازمانی و محیطی تقسیم‌بندی شده است.

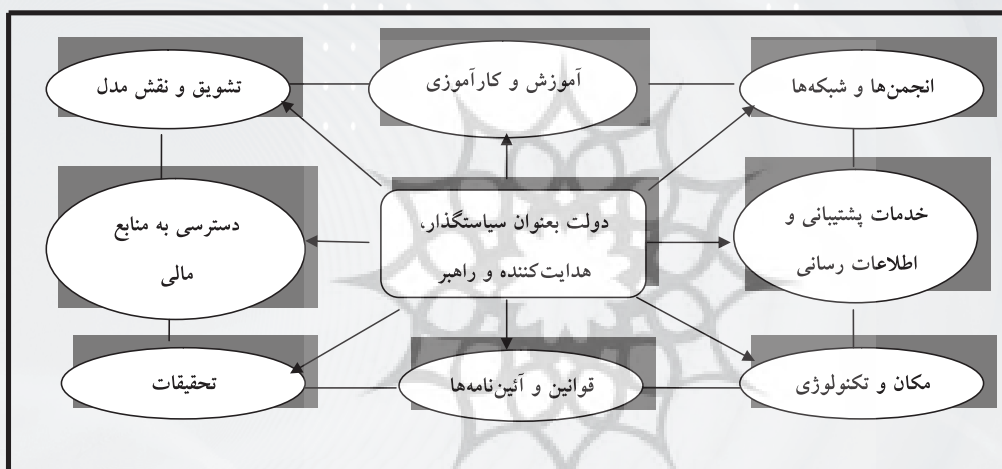
در دسته‌بندی فوق موانع سازمانی و محیطی برای کلیه کارآفرینان اعم از زن و مرد وجود دارد، ولی به دلایلی برخی از موانع برای زنان شدیدتر است. موانع فردی ویژه زنان کارآفرین می‌باشد که عبارتند از محدودیت‌های خانوادگی و شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه. با توجه به آنکه سازمان یک سیستم باز بوده و با محیط پیرامون خود در تعامل است بنابراین موانع موجود در محیط بر روی سازمانها تأثیر گذاشته و مشکلات موجود در سازمانها، شرایط محیط را تغییر می‌دهد. از این رو موانع



سازمانی و محیطی را نمی‌توان در دو دسته جداگانه قرار داد و بررسی این موانع در یک قالب کلی نتایج بهتری را به دنبال خواهد داشت.

در چارچوب یکپارچه توسعه کارآفرینی زنان که در سال ۲۰۰۳ توسط Stevenson و St-Onge ارائه گردیده و توانائی و قابلیت‌های آن در تدوین و تعیین مقیاسها و فاکتورهای برنامه و سیاستی مناسب و قابل اجرا، همچنین طبقه‌بندی نیازها و حمایت‌های لازم جهت توسعه کارآفرینی زنان، با تحت پوشش قرارداد ۱۰ کشور به اثبات رسیده، موانع محیطی و سازمانی و بخشی از موانع فردی زنان کارآفرین در ۹ بخش تقسیم‌بندی گردیده است که شکل زیر آنها را نشان می‌دهد.

### مدل چارچوب یکپارچه توسعه کارآفرینی زنان



با توجه به موفقیت اجرای چارچوب یکپارچه در کانادا، آمریکا و چند کشور دیگر، در این تحقیق نیز تلاش می‌شود موانع فردی، سازمانی و محیطی زنان کارآفرین با در نظر گرفتن تقسیم‌بندی چارچوب یکپارچه توسعه کارآفرینی زنان و نتایج حاصل از تحقیقات موجود در ایران، ارزیابی شده و برخی از راهکارهای رفع و یا کاهش این موانع ارائه گردد. از این‌رو متغیرها، سؤالات و فرضیات بر اساس دو تحقیق مذکور انتخاب گردیده است به‌نحوی که سؤالات تعیین‌کننده موانع سازمانی - محیطی با توجه به مدل فوق و سؤالات تعیین‌کننده موانع فردی و فرضیات با استفاده از پژوهش فیروزه صابر در سال ۱۳۸۱، مشخص گردیده‌اند.

## متدولوژی تحقیق

### فرضیات و متغیرهای تحقیق

هر پژوهش علمی با تلاش برای پاسخ به یک سؤال آغازین شروع می‌گردد. سؤال این است که چه عواملی مانع توسعه کارآفرینی زنان در شهر تهران می‌گردد؟ طبق مباحث نظری و تحقیقات انجام شده که در بخش قبل به آن اشاره شد، کارآفرینی بعنوان یک معلول ریشه در عوامل متعدد دارد، اما طبیعتاً همه این عوامل نظیر متغیرهای مداخله‌گر قابل مطالعه و اندازه‌گیری دقیق نیستند. از این رو تلاش شد که مهمترین عوامل با توجه به شرایط فرهنگی-اجتماعی حاکم، برمبنای مدل چارچوب فوق و سایر پژوهش‌های داخلی مطرح گردد. در طرح سؤالات و صورت‌بندی فرضیه‌ها، مفاهیم متغیرهای زیر به‌عنوان مهمترین عوامل بازدارنده توسعه کارآفرینی زنان در تهران مورد استفاده قرار گرفت. این عوامل عبارتند از:

- موانع فردی (نارضایتی همسر و خانواده، رسیدگی و مراقب از فرزندان، رسیدگی به امور خانه، عدم همکاری فکری همسر و اعضای خانواده، عدم پذیرش جامعه بعلت فرهنگ حاکم و ناامنی‌های اجتماعی)
- عوامل سازمانی- محیطی (سیاست راهبردی و هماهنگ کننده دولت، تشویق زنان بعنوان کارآفرینان، دسترسی زنان به منابع مالی، آموزش مهارت‌های کارآفرینی به زنان، دسترسی زنان به اطلاعات و حمایت‌های کاری-تجاری، شبکه‌ها و انجمن‌های زنان کارآفرین، دسترسی زنان به مکان مناسب کسب و کار، قوانین و آئین‌نامه‌ها، تحقیقات پیرامون زنان کارآفرین)
- علاوه بر دو متغیر اصلی فوق، ۴ متغیر دیگر نیز به شرح زیر در این تحقیق مدنظر قرار گرفته شد:
- میزان تحصیلات زنان کارآفرین: تحصیلات زنان در ۵ مقطع زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر مورد بررسی قرار گرفت.
- مکان آغاز کسب و کار: برخی از زنان کارآفرین کسب و کار خود را از همان ابتدا در تهران آغاز کرده و برخی دیگر در شهرستان کسب و کار خود را راه‌اندازی کرده و در مراحل توسعه کار به تهران عزیمت کرده‌اند.

**نوع کسب و کار:** کسب و کار زنان در ۴ دسته صنعتی، خدماتی، کشاورزی و تولیدی مورد ارزیابی قرار گرفت.

**نحوه انجام کسب و کار:** برخی از زنان کارآفرین کار خود را با مشارکت همسر و یا سایر اعضای خانواده انجام داده و برخی دیگر بدون مشارکت آنان و بصورت فردی به کسب و کار می‌پردازند. داشتن تجربه شکست: بدین معنی که زنان به اهداف از پیش تعیین شده‌ای که در زمان مقرر از انجام کسب و کار انتظار دارند، دست نیابند.

در این تحقیق تلاش گردید تا علاوه بر بررسی موانع فردی و موانع سازمانی-محیطی زنان کارآفرین، وجود رابطه بین میزان تحصیلات، مکان آغاز به کار، نوع کسب و کار و نحوه انجام کار آنان با داشتن



تجربه شکست در کسب‌وکار و میزان مواجه شدن با موانع مذکور، بررسی گردد.

### روش تحقیق و شیوه جمع‌آوری اطلاعات

این تحقیق از نوع توصیفی-پیمایشی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه که ترکیبی از نمونه پرسشنامه استاندارد موجود در گزارش مروری سازمان بین‌المللی کار<sup>۱</sup> و سایر پژوهش‌های داخلی<sup>۲</sup> است، استفاده شده است. پایایی پرسشنامه با در نظر گرفتن ضریب آلفا کرونباخ (۰/۹۲) و روایی آن با توجه به نظر صاحب‌نظران و خبرگان کارآفرینی، تأیید گردید.

### جامعه آماری و قلمرو تحقیق

جامعه آماری در این تحقیق شامل زنان کارآفرین شهر تهران است که توسط وزارت کار و مراکز و انجمن‌های مختلف کارآفرینی به خصوص انجمن زنان مدیر کارآفرین و خانه کارآفرینان ایران معرفی گردیده‌اند. با توجه به آنکه تعداد این افراد محدود بوده (۶۰ نفر)، سعی گردید از نظرات همگی آنان در تکمیل پرسشنامه‌ها استفاده شود. قلمرو موضوعی و زمانی تحقیق بررسی موانعی است که زنان کارآفرین در راه‌اندازی و یا توسعه کسب و کار خود، طی ۵ سال اخیر با آن مواجه بوده‌اند. قلمرو مکانی نیز شهر تهران می‌باشد.

### شیوه‌ها و تکنیک‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

با توجه به ماهیت سؤالات و نوع پاسخ‌ها، اطلاعات دریافتی در پرسشنامه‌ها از ویژگی آمار توصیفی برخوردار بوده و از این‌رو امکان طبقه‌بندی، تلخیص، توصیف و تفسیر و برقراری ارتباط بین متغیرها فراهم گردید. از تکنیک یا طیف هفت گزینه‌ای لیکرت جهت تعیین نظر پرسشگران استفاده شد و با تهیه و تنظیم جدول توزیع فراوانی، ترسیم نمودارها و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، داده‌ها تحلیل گردیدند. و برای رد یا پذیرش فرضیه‌های تحقیق از آزمون آنالیز واریانس یکطرفه -group-t-test، ANOVA و همچنین از آزمونهای تحلیلی نظیر ضریب همبستگی دو متغیری پیرسون و ضریب رگرسیون جهت تعیین همبستگی بین متغیرها استفاده گردید. سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

1- Supporting Growth-Oriented Women Entrepreneurs (July 2004), "List of Questions for Assessing Gaps and Identifying Further Policy/Program Measures in Enterprise Development".

۲- صابر، فیروزه، توسعه کارآفرینی زنان در ایران.

## نتایج

۱- بررسی موانع فردی توسعه کارآفرینی زنان: اغلب موارد مورد مطالعه که بعنوان موانع فردی زنان کارآفرین در نظر گرفته شده بودند، در توسعه کارآفرینی زنان کارآفرین شهر تهران بعنوان مانع محسوب نشده و از میان آنها، زنان کارآفرین فقط به نارضایتی همسر و فرهنگ حاکم بر جامعه، بعنوان موانعی کوچک در راه توسعه کسب و کار خود اشاره کرده‌اند. جدول ۱ میزان تأثیرگذاری موانع فردی بر کسب و کار زنان کارآفرین را نشان می‌دهد.

### جدول ۱ - بررسی تأثیر موانع فردی توسعه کارآفرینی زنان

تأثیر هر مانع در توسعه کارآفرینی زنان	موانع فردی زنان کارآفرین
ایجاد مانعی بسیار کوچک	نارضایتی همسر و خانواده
مانع نیست	رسیدگی و مراقبت از فرزندان
مانع نیست	رسیدگی به امور خانه
مانع نیست	عدم همکاری و همفکری همسر و سایر اعضای خانواده
ایجاد مانعی کوچک	عدم پذیرش زنان کارآفرین از سوی جامعه به علت فرنگ حاکم
مانع نیست	ناامنی‌های اجتماعی

### ۲- بررسی عوامل بازدارنده سازمانی-محیطی توسعه کارآفرینی زنان:

با جمع اعداد حاصل از پاسخها و مقایسه آنها با مجموع اعداد طیف لیکرت، نتایج این قسمت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. اعداد حاصل از پاسخها بین ۰ تا ۳۴۲ متغیر بوده و هرچه این اعداد کوچکتر باشند نشان دهنده عدم مطلوبیت گزینه مورد بررسی در مقایسه با سایر گزینه‌ها است. جدول ۲ نشان می‌دهد که اکثر عوامل سازمانی-محیطی در شرایط نامطلوب واقع شده و زنان کارآفرین این عوامل را موانع اصلی توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی زنان می‌دانند.



## جدول ۲- بررسی شرایط سازمانی-محیطی کارآفرینی

جدول ۲-۱				بررسی نقش رهبری و هدایت‌کننده دولت در توسعه کارآفرینی زنان
مطلوب	متوسط	نامطلوب	کاملاً نامطلوب	شرایط موجود عوامل مورد بررسی
			*(۱۱۹)	۱. گروه هدف قرار دادن زنان در سیاست‌های MSE دولت
			*(۹۱)	۲. وجود مرکزی در بدنه دولت به منظور توسعه مشاغل زنان
			*(۷۱)	۳. وجود چارچوبی استراتژیک برای توسعه مشاغل زنان در هنگام آغاز و یا توسعه کسب و کار
			*(۹۶)	۴. وجود مکانیزم حمایت‌کننده زنان کارآفرین و مشاغل آنها در وزارتخانه‌ها و سایر بخش‌های دولت
			*(۶۲)	۵. استفاده از نظرات زنان کارآفرین در تدوین سیاست‌های MSE
			*(۹۷)	۶. وجود انجمن‌های زنان کارآفرین در بدنه دولت
			*(۴۹)	۷. ارزیابی کارایی و میزان پیشرفت و توسعه بخش مشاغل زنان
			*(۸۰)	۸. توسعه کارآفرینی زنان بعنوان یکی از اولویت‌های دولت

جدول ۲-۲ بررسی میزان تشویق زنان به عنوان کارآفرینان

			(۱۲۶)*	۱. وجود آگاهی و حمایت عمومی از نقش زنان کارآفرین در اقتصاد
				۲. محسوب شدن کارآفرینی بعنوان امری ممکن و جذاب از دیدگاه زنان
			(۱۴۷)*	۳. ارزش داشتن مشارکت زنان در بخش MSE
			(۱۶۷)*	۴. دسترسی به مجموعه‌ای از زنان کارآفرین بعنوان مدل‌های نقش
			(۱۸۰)*	۵. شناسایی و قدردانی از زنان کارآفرین موفق
			(۸۴)*	۶. حمایت و تشویق زنان کارآفرین توسط رسانه‌ها

جدول ۲-۳ بررسی میزان دسترسی زنان کارآفرین به مکان مناسب کسب و کار

مطلوب	متوسط	نامطلوب	کاملاً نامطلوب	شرایط موجود	عوامل مورد بررسی
					۱. دسترسی زنان کارآفرین به مکان‌های مناسب برای راه‌اندازی کسب و کار
			(۹۳)*		۲. انجام اقداماتی جهت حصول اطمینان از دسترسی زنان تولیدکننده به مکانهای مناسب و تکنولوژیهای روز

بررسی میزان دسترسی زنان به خدمات آموزشی مهارت‌های کارآفرینی			جدول ۲-۴
		*(۸۵)	۱.انجام ارزیابی دقیق از نیازهای آموزشی زنان کارآفرین درمراحل رشد و توسعه کسب و کار آنان
		*(۹۷)	۲.دسترسی زنان در مناطق مختلف به فرصت‌های آموزشی کارآفرینی
		*(۷۱)	۳.وجود برنامه‌های آموزشی کارآفرینی مختص زنان
		*(۶۲)	۴.انجام اقداماتی برای ثبت نام زنان جهت فراگیری مهارت‌های کارآفرینی
		*(۷۳)	۵.دسترسی به اساتید و مربیان مجرب جهت آموزش به زنان

بررسی میزان دسترسی زنان کارآفرین به منابع مالی			جدول ۲-۵
		*(۱۶۰)	۱.تساوی حقوق زنان با مردان در استفاده از منابع مالی برای راه‌اندازی کسب و کار
		*(۸۴)	۲.تدوین برنامه‌هایی جهت رفع مشکلات زنان در دریافت تسهیلات
		*(۲۰۴)	۳.اعطای وام از سوی بانکها به زنان کارآفرین بصورت مستقیم
		*(۹۸)	۴.وجود منابع مالی چندگانه و روشهای مختلف تامین سرمایه برای زنان کارآفرینی که قصد توسعه کسب و کار خود را دارند
		*(۵۹)	۵.انجام اقداماتی جهت افزایش سطح آگاهی زنان از وجود منابع مالی مختلف و نحوه اخذ تسهیلات و اعتبارات
		*(۱۶۰)	۶.تساوی حقوق زنان با مردان در استفاده از منابع مالی برای راه‌اندازی کسب و کار



جدول ۶-۲					بررسی میزان دسترسی زنان به خدمات توسعه کسب و کار	
شرایط موجود	عوامل مورد بررسی	کاملاً نامطلوب	نامطلوب	متوسط	مطلوب	کاملاً مطلوب
۱. انجام اقداماتی توسط دولت جهت دسترسی زنان به اطلاعات مشاغل						*(۷۳)
۲. وجود سیستم پشتیبانی از مشاغل مختص زنان کارآفرین (مانند جمع‌آوری اطلاعات کسب و کارهای زنان در یک مرکز خاص)						*(۱۳۷)
۳. ارزیابی میزان دسترسی زنان به خدمات پشتیبانی						*(۴۰)
۴. دسترسی به مشاورین و مربیان مخصوص زنان کارآفرین در شبکه توسعه کسب و کار						*(۳۹)
۵. وجود تعامل بین شبکه‌های ارائه دهنده خدمات توسعه کسب و کار با سازمانهای تامین کننده نیازهای مالی زنان						*(۱۶)
جدول ۷-۲					بررسی قوانین و آئین‌نامه‌های موجود در حمایت از زنان کارآفرین	
۱. وجود سیاستی ملی جهت حمایت از حقوق زنان						*(۶۸)
۲. پشتیبانی دولت از اجرای سیاست حمایت از حقوق زنان						*(۸۳)
۳. برآورد میزان تأثیرگذاری اجرای قوانین بر کارایی زنان کارآفرین						*(۳۱)
۴. ارزیابی تاثیر قوانین و آئین‌نامه‌ها بر توسعه کسب و کار زنان						*(۲۲)
۵. توانایی زنان در به ثبت رساندن بنگاههای اقتصادی خود و اخذ مجوزهای مربوطه						*(۱۲۲)
۶. مطلع بودن زنان از منافع حاصل از قانونمند ساختن مشاغل						*(۱۱۶)
۷. اجرای سیاستی توسط دولت جهت حصول اطمینان از وجود حقوق یکسان برای زنان و مردان در دسترسی به منابع مالی						*(۶۳)

جدول ۸-۲

بررسی میزان کارایی انجمن‌های زنان کارآفرین و میزان دسترسی زنان به آنان

شرایط موجود	عوامل مورد بررسی	کاملاً نامطلوب	نامطلوب	متوسط	مطلوب	کاملاً مطلوب
	۱. دسترسی زنان به شبکه‌های متشکل از انجمن‌های تجاری و صنعتی					*(۱۰۹)
	۲. وجود برآوردی از میزان حضور زنان کارآفرین در انجمن‌های تجاری					*(۸۳)
	۳. توانایی انجمن‌های زنان کارآفرین در بیان نیازهای مربوط به زنان					*(۱۰۰)
	۴. انجام اقداماتی از سوی زنان کارآفرین در راستای تشکیل انجمن‌ها					*(۱۱۵)
	۵. وجود فرصت پیوستن به انجمن‌های مذکور برای اغلب زنان					*(۱۲۶)
	۶. تشکیل جلسات منظمی توسط انجمن‌ها، جهت ارتباط اعضا					*(۹۷)
	۷. تشویق زنان کارآفرین موفق عضو انجمن توسط انجمن‌ها					*(۱۰۱)
	۸. توانایی انجمن‌ها در انتقال مشکلات زنان کارآفرین به سیاستگذاران					*(۷۳)
	۹. توانایی انجمن‌های زنان کارآفرین در حمایت از اعضا و انتقال اطلاعات و آموزش مهارت‌های کارآفرینی					*(۸۰)
	۱۰. تدوین برنامه‌ای توسط انجمن‌های فوق جهت بهبود خدمات رسانی به زنان کارآفرین عضو					*(۷۳)
	۱۱. اجرای اقداماتی جهت افزایش ظرفیت انجمن‌های زنان کارآفرین از طریق آموزش نحوه توسعه انجمن، برنامه‌ریزی، مدیریت پروژه، سازماندهی، بازاریابی و...					*(۸۷)
	۱۲. وجود تعامل بین انجمن‌های زنان کارآفرین و انتقال تجربیات به یکدیگر					*(۶۵)

				(۹۶)*	۱۳. تلقی دولت از انجمنهای فوق بعنوان وسیله‌ای برای تقویت محیط کارآفرینی زنان، تشویق زنان به راه‌اندازی بنگاههای اقتصادی، بهبود کارایی و افزایش درآمد زنان کارآفرین
				(۲۳)*	۱۴. حمایت مالی دولت، شرکت‌های بزرگ و موسسات خیریه از انجمن‌های زنان کارآفرین
				(۲۲)*	۱۵. نقش داشتن انجمن‌های مذکور در تدوین سیاستها و برنامه‌های دولت جهت بهبود محیط کارآفرینی زنان

بررسی میزان کارایی تحقیقات مرتبط با زنان کارآفرین

جدول ۹-۲

کاملاً نامطلوب	نامطلوب	متوسط	مطلوب	کاملاً مطلوب	شرایط موجود عوامل مورد بررسی
				(۸۳)*	۱. انجام تحقیقاتی درباره تعداد کسب و کارهای کوچک و متوسط موجود در شهر با توجه به جنسیت صاحبان آنها
				(۹۱)*	۲. وجود اطلاعاتی در ارتباط با خصوصیات کسب و کارهای زنان
				(۸۷)*	۳. وجود اطلاعاتی پیرامون خصوصیات زنان کارآفرین
				(۳۷)*	۴. وجود اطلاعاتی درباره تفاوتها و شباهتهای خصوصیات فردی زنان با مردان کارآفرین
				(۲۷)*	۵. وجود اطلاعاتی در ارتباط با تفاوتها و شباهتهای کسب و کار زنان با مردان
				(۷۶)*	۶. انجام تحقیقات کیفی درباره تجربیات آغاز و ادامه کار زنان کارآفرین
				(۱۴)*	۷. وجود اطلاعاتی درباره تفاوتهای زنان کارآفرین با مردان در چگونگی آغاز به کار، کسب تجارب و دسترسی به منابع مالی و حمایتی
				(۳۶)*	۸. دسترسی به داده‌های کمی که نرخ رشد کسب و کارهای زنان را با مردان مقایسه می‌کند
				(۳۰)*	۹. وجود اطلاعاتی از میزان رشد و افزایش تجارب و کارایی زنان کارآفرین در تدوین استراتژی، استفاده از منابع
				(۳۱)*	۱۰. وجود ارتباط و همکاری بین دولت و دانشگاهها در اجرای تحقیقاتی پیرامون زنان کارآفرین



اعتبار فرضیه‌های تحقیق: زنان کارآفرینی که دارای تحصیلات عالی و بالاتر بوده‌اند با مشکلات فردی کمتری مواجه‌اند. زنان کارآفرینی که کسب و کار خود را از ابتدا در شهر تهران آغاز کرده‌اند نسبت به زنانی که کسب و کار خود را در شهرستان شروع کرده و سپس به تهران آمده‌اند، موانع فردی کمتری داشتند. نحوه انجام کار نیز بر وجود موانع فردی مؤثر است بدین معنی که زنان کارآفرینی که کسب و کار خود را بصورت مشارکت با همسر و یا سایر اعضای خانواده انجام می‌دهند با موانع فردی کمتری مواجه می‌باشند. و در نهایت زنان کارآفرینی که کسب و کار تولیدی دارند نسبت به آنان که کار صنعتی دارند موانع سازمانی-محیطی کمتری را پیش‌رو دارند. بین سایر متغیرها نیز رابطه معنی‌داری وجود ندارد. جدول ۳ رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد.

بررسی اعتبار فرضیه‌های تحقیق			جدول ۳
متغیرها	موانع فردی	موانع سازمانی-محیطی	داشتن تجربه شکست
تحصیلات زنان کارآفرین	*P=0.005 / r= -0.39	P=0.083	P=0.45
نوع کسب و کار	P=0.96	*P=0.021 / r= -0.16	P=0.49
مکان اولیه کسب و کار	*P=0.024 / r=0.3	P=0.72	P=0.45
نحوه انجام کسب و کار	*P=0.00 / r= -0.28	P=0.1	P=0.095

P: P-value/ r: regression/\*: (Correlation is significant at the 0.05 level 2-tailed)

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در مقایسه موانع فردی با موانع سازمانی-محیطی، چنین نتیجه گرفته شد که عوامل سازمانی-محیطی نسبت به عوامل فردی نقش بازدارندگی بسیار بیشتری در توسعه کارآفرینی زنان دارند به نحوی که نزدیک به ۹۲ درصد از موانع و مشکلاتی که زنان در راه‌اندازی و یا توسعه کسب و کار خود

با آن مواجه بوده‌اند به عوامل سازمانی-محیطی مربوط بوده و تنها ۸ درصد مشکلات آنان در ارتباط با عوامل فردی است. با در نظر گرفتن راهکارهای ارائه شده توسط برخی از زنان کارآفرین موفق و روشهایی که کشورهای توسعه یافته جهت رفع موانع کارآفرینی بکار بسته‌اند، می‌توان به منظور رفع عوامل بازدارنده موجود در مسیر توسعه کارآفرینی زنان، راهکارهایی را ارائه داد. از آنجا که عوامل فردی مانع کوچکی در توسعه کارآفرینی زنان شناخته شد تنها به بیان مواردی از قبیل تلاش زنان کارآفرین در راستای جلب همکاری محارم، اثبات موفقیت و تشکیل تیم با همسر بعنوان راهکارهای رفع و یا کاهش این قبیل موانع اشاره می‌گردد. به منظور کاهش موانع سازمانی-محیطی راه‌حل‌های زیر پیشنهاد می‌گردد.

بهبود سیاستها و برنامه‌های کارآفرینی دولت: این امر با ایجاد دفتر امور زنان در وزارتخانه‌های صنعت و بازرگانی، تدوین برنامه‌ای جهت‌دار از سوی دولت به منظور تسریع رشد کارآفرینی زنان، اجرای برنامه‌های استراتژیک توسعه کارآفرینی زنان، هدایت تحقیقات سیستماتیک پیرامون وضعیت زنان در بخش<sup>۱</sup> MSE، فراهم آوردن شرایطی برای فعالیت زنان در تجارتهای بین‌الملل، مشارکت دادن سازمانهای مختلف دولتی و خصوصی در تدوین اهداف بلند مدت و تهیه رویکردی هماهنگ‌کننده جهت تعیین چالشها و موانع موجود در طرح توسعه کارآفرینی زنان و اجرای برنامه‌های پیشنهادی ILO<sup>۲</sup> و WEDGE<sup>۳</sup> بصورت بومی و با توجه به شرایط موجود، محقق می‌گردد.

تشویق و ترغیب مؤثرتر زنان کارآفرین: با دعوت از زنان کارآفرین موفق از سوی مراکز آموزشی و دانشگاهها و درخواست از آنان برای ارائه نحوه عملکرد خود و راهنمایی جوانان و دانشجویان مشتاق، گنجاندن برنامه‌های منظم آموزشی در رادیو و تلویزیون و مصاحبه با زنان کارآفرین موفق و درخواست از آنان جهت ارائه مهارتهای کارآفرینی خود، انتشار روشهای مختلفی که زنان کارآفرین موفق برای تأمین نیازهای مالی خود بکار بسته‌اند توسط رسانه‌ها و مجلات، برگزاری جشنهای سالیانه و معرفی زنان کارآفرین موفق و اعطای جایزه به آنان، چاپ و انتشار آسامی و خصوصیات زنان کارآفرین موفق، می‌توان زنان را به کارآفرینی ترغیب نمود.

رفع موانع مالی زنان: می‌توان با ایجاد ارتباط بین سازمانهای ارائه دهنده خدمات کسب و کار و اعطا کننده وام و آموزش مهارتهای تکنیکی و مدیریتی به آنان جهت ارائه بهتر خدمات مالی در بخش MSE، اختصاص قسمتی از وامهای ایجاد و توسعه بنگاههای اقتصادی به زنان کارآفرین، تأسیس مراکز مالی مختص زنان جهت حمایت از زنان صاحب کسب و کار، حمایت مالی NGOs<sup>۴</sup> از زنان کارآفرین به خصوص زنان صاحب مشاغل کوچک، حمایت دولت از اعطای اعتبارات به زنان کارآفرین، تشویق بانکها جهت کمک به زنان صاحب مشاغل کوچک و تلاش در راستای افزایش

1- Medium and Small Enterprises

2- International Labor Organization

3- Women's Entrepreneurship Development and Gender Equality

4- Non Governmental Organizations

دسترسی زنان به بازارهای مالی، تدوین برنامه‌هایی توسط بانکها به منظور تنظیم نوبتهای اخذ وام، افزایش آگاهی بانکها از خدمات مالی مختص زنان، کمک بانکها به زنان کارآفرین جهت تهیه طرح کسب و کار و راهنمایی آنان در انجام مذاکرات مالی، تأسیس بانک مختص کسب و کار زنان و اجرای برنامه‌های ضمانت وام متعلق به زنان توسط بانکهای توسعه صنعت و معدن و اجرای برنامه‌هایی از قبیل: مکانیزم جهانی تأمین سرمایه<sup>۱</sup>، برنامه جهانی ضمانت<sup>۲</sup> و ارائه تسهیلات تکنیکی جهانی<sup>۳</sup>، موانع مالی را که زنان در تهیه سرمایه لازم خود با آن مواجه‌اند تا حد چشمگیری کاهش داد.

بهبود محیط آموزشی زنان کارآفرین: تدوین و توسعه استراتژی آموزش زنان کارآفرین متناسب با نیاز آنان، اختصاص بخشی از ظرفیت انجمن‌های زنان به آموزش، ارائه برنامه توسعه مشاغل زنان کارآفرین با توجه به برنامه‌های آموزشی ILO، از قبیل برنامه‌های Expand Your Business و برنامه Get Ahead for Women in Enterprises، تقویت و توسعه شبکه NATTET<sup>۴</sup> جهت توسعه برنامه‌های آموزشی زنان کارآفرین، افزایش آگاهی زنان از نیازشان به آموزش و افزایش دسترسی آنان به مراکز آموزشی، اجرای برنامه‌های آموزشی طولانی مدت<sup>۵</sup> مدیریت توسعه<sup>۶</sup> و افزایش ظرفیت آموزشی و ارتقای آگاهی مریبان از چگونگی آموزش روشهای توسعه مشاغل<sup>۶</sup>، روشهایی عملی جهت بهبود محیط آموزشی زنان کارآفرین می‌باشند.

بهبود اطلاعات و خدمات رسانی به زنان کارآفرین: با تأسیس یک دفتر مرکزی جهت هماهنگ‌سازی سیستم خدمات رسانی توسعه مشاغل به زنان صاحب کسب و کار، شناسایی نیازهای زنان صاحب مشاغل در حین توسعه کسب و کار و شناسایی و معرفی مراجع کمک‌کننده به آنان، ایجاد هماهنگی بین نیازهای تجاری زنان و منابع موجود، شناسایی منابع تجاری غیرقابل دسترس زنان و فراهم آوردن شرایطی در راستای سهولت دسترسی زنان کارآفرین به این قبیل منابع، انتشار و توزیع اطلاعات توسعه کسب و کار توسط انجمن‌های زنان کارآفرین، افزایش ظرفیت انجمن‌های زنان کارآفرین در اطلاع‌رسانی به اعضا، آموزش فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و استفاده از آنان بعنوان ارائه‌دهندگان خدمات توسعه مشاغل در محیط کسب و کار زنان و تجهیز پارک‌های علم‌وفن‌آوری و استفاده از آنها بعنوان انکوباتورهایی برای کسب تجربه زنان در زمینه تولید و فن‌آوری، می‌توان گامهای مؤثری را در راستای بهبود خدمات‌رسانی به زنان کارآفرین برداشت.

تقویت شبکه‌ها و انجمن‌های زنان کارآفرین: ایجاد یک انجمن مرکزی (مادر) که تمام انجمن‌های زنان کارآفرین را تحت پوشش قرار دهد، توسعه برنامه‌های انجمن‌های زنان کارآفرین مطابق با برنامه‌های

1- Global Financing Mechanism - GFIM

2- Global Guarantee Scheme - GGS

3- Technical Global Assistance Facility - TGAF

4- National Association of Technology Transfer and Entrepreneurship

5- Managing for growth

6- Train- the- Trainer



ILO-WEDGE<sup>۱</sup>، توسعه انجمن‌های موجود، ترغیب زنان صاحب کسب و کار برای عضویت در انجمن‌های زنان کارآفرین، ترغیب انجمن‌های زنان کارآفرین به ارتقای مدیریت، برنامه‌ریزی و بهبود خدمات رسانی به اعضاء، تأمین نیازهای مالی انجمن‌ها و توانمندسازی آنان در استخدام افراد مجرب و سازماندهی هرچه بهتر سیستم خدمات‌رسانی، برگزاری جلسات برای زنان کارآفرین و استفاده از زنان کارآفرین موفق بعنوان مربیان آموزشی، تشکیل جلسات بین مدیران انجمن‌ها و تبادل اطلاعات و تجربیات آنها با یکدیگر، از جمله راهکارهای تقویت شبکه‌ها و انجمن‌های زنان کارآفرین می‌باشد. رفع موانع زنان کارآفرین در دسترسی به مکان مناسب کسب و کار: این امر تا حدود زیادی با تخصیص قسمتی از زمینهای دولت به بنگاههای اقتصادی متعلق به زنان، فراهم آوردن شرایط سهولت دسترسی زنان کارآفرین به تکنولوژی روز، اجاره دادن زمین به زنان صاحب کسب و کار توسط دولت، شرکت انجمن‌های زنان کارآفرین در تصمیم‌گیریها و سیاستگذاریهای دولت در ارتباط با تعیین مکان کسب‌وکار زنان کارآفرین، اختصاص زمین و مکانهای مناسب به کسب و کار زنان به نحوی که دسترسی آنان به بازار تجاری با موانع کمتری مواجه باشد و قرار دادن مکان و تکنولوژیهای پارک‌های علم و فن‌آوری در اختیار زنان کارآفرین و توانمندسازی آنان در راستای راهاندازی و یا توسعه کسب‌وکار، به تحقق خواهد رسید.

رفع موانع قانونی: ایجاد دفاتری در تمام وزارتخانه‌ها به منظور حمایت از حقوق زنان، استفاده از الگوهای ILO-WEDGE در بررسی و بازبینی قوانین کسب‌وکار به منظور رعایت تساوی حقوق زنان با مردان کارآفرین، ایجاد کارگروههایی جهت ارتقای آگاهی مسئولین از وجود تأثیرات منفی احتمالی قوانین و آئین‌نامه‌ها موجود بر کسب‌وکار زنان، تدوین قوانین مدافع حقوق تجاری زنان و انتخاب افراد مناسب جهت اجرای مؤثر این قوانین و تجدید نظر در قوانینی که با حقوق مالکیت زنان منافات دارند از جمله راهکارهای هماهنگ‌سازی قوانین و آئین‌نامه‌ها با نیازهای قانونی زنان کارآفرین می‌باشد.

توسعه تحقیقات پیرامون زنان کارآفرین: با توسعه استراتژیک تحقیقات پیرامون زنان صاحب مشاغل و تمرکز بر جمع‌آوری اطلاعات درباره MSEs با توجه به جنسیت صاحبان کسب‌وکارها و چاپ و انتشار منظم و قانونمند داده‌های آماری به منظور دسترسی آسان مسئولین و زنان کارآفرین به این اطلاعات، ایجاد ساختاری در دانشگاهها جهت انجام تحقیقات علمی درباره بخش MSE و زنان صاحب کسب‌وکار و ایجاد رابطه و همکاری بین مراکز تحقیقاتی و دانشگاهها با انجمن‌های زنان کارآفرین و تبادل اطلاعات بین آنان، می‌توان نیازها، موانع و چالشهای پیش‌روی زنان کارآفرین را شناخته و با توجه به آن، برنامه‌ها و سیاستهای راهبردی کاهش موانع و رفع نیازهای زنان کارآفرین را تدوین و اجرا کرده تا بدین طریق شاهد رشد کارآفرینی زنان و در نهایت توسعه اقتصادی باشیم.

## منابع:

- ۱- امیرنژاد، قنبر، «اشتغال و زنان کارآفرین»، ماهنامه کار و جامعه، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، آبان ۱۳۸۷.
- ۲- صابر، فیروزه، توسعه کارآفرینی زنان در ایران: راهکارهای تواناسازی زنان در راستای برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران - پایان نامه دوره کارشناسی ارشد (سازمان مدیریت صنعتی)، ۱۳۸۱
- 3-African Development Bank (2004). Enhancing Development in Africa – African Women Entrepreneurs: The Continent’s Hidden Growth Reverse.
- 4-Asia-Pacific Economic Cooperation (1999). Women Entrepreneurs in SMEs in the APEC, region. Policy Level Working Group on Small & Medium Enterprise, APEC, Singapore.
- 5-Centre for Enterprise and Economic Development Research (2000). “Young Entrepreneurs, Women Entrepreneurs, Co-entrepreneurs and Ethnic Minority Entrepreneurs in the EU and Central and East European Countries,” Final report to the European Commission, DG Enterprise, Middlesex University, UK, July.
- 6-Government of Canada (2003). The Prime Minister’s Task Force on Women Entrepreneurs: Report and Recommendation. Ottawa, October.
- 7-International Labor Organization (2004). ILO Sub-regional Office, Addis Ababa and Ministry of Trade and Industry, Women’s Affairs Development in association with SEED, ILO, Geneva, July.
- 8-Organization for Economic Cooperation and Development (1997). The OECD Conference on Women Entrepreneurs in SMEs: A Major Force in Innovation and Job Creation. Paris.
- 9-Organization for Economic Cooperation and Development (2002), OECD Small and Medium Enterprise Outlook, Paris.
- 10-Reynolds, Paul D., William Bygrave, Errko Autio, Larry Cox & Michael Hay (2002). Global Entrepreneurship Monitor: 2002 Executive Report. Babson College, London Business School and Ewing Kauffman Foundation.
- 11-Schumpeter, Joseph. 1975. Capitalism, Socialism and Democracy. New York: Harper.

- 12-Social and Economic Development Group, Middle East and North Africa Region, World Bank Group. 2006. "Djibouti: Economic Monitoring Report."  
 —. 2006a. Doing Business 2007: How to Reform. Washington D.C.: World Bank Publications.  
 —. 2006b. Gender Equality as Smart Economic: A World Bank Group Gender Action Plan (Fiscal Years 2007-2012).  
 —. 2007a. Doing Business 2008. Washington D.C.: World Bank Publications.  
 —. 2007b. Doing Business Database.  
 —. 2007c. Global Monitoring Report 2007. Washington, D.C
- 13-St-Onge, Annette & Lois Stevenson (2003). "Creating an Entrepreneurial Environment to Foster the Start-up and Growth of Women-Owned Enterprises: Best practice from Atlantic Canada." Paper presented at the World Conference of the International Council of Small Business (ICSB), Belfast, Northern Ireland, June 16-19.
- 14-Stevenson, Lois (1988). "Women and Economic Development: A Focus on Entrepreneurship." In Harvey Leibenstein and Dennis Ray (eds), Entrepreneurship and Economic Development, Journal of Development Planning, No. 18, United Nations, NY, pp. 113-126.
- 15-UNCTAD (1999). Women Entrepreneurs in Least Development Countries. UNCTAD/ITE/EDS/Misc. 15, Geneva.
- 16-United States Department of Commerce (1979). The Bottom Line: Unequal Enterprise in America, U.S. Task Force Report on Women Business Owners, Washington, DC.
- 17-Weeks, Julie & Danielle Seiler (2001). "Women's Entrepreneurship in Latin America: An Exploration of Current Knowledge." The Inter-American Development Bank, Washington, DC, September.
- 18-Yudelman, Sally (1987). "The integration of Women into development projects: observations on the NGO experience in general and in Latin America in particular." World Development, Vol. 13 (Autumn).